

Explaining the Foundation of Traditional Architecture Education in Iran Based on Fotovatnameh with Emphasis on Fotovatnameh-ye Banayan

Hosein Moradinasab¹ , Soroush Hashemi²

1. Associate Professor, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2. Instructor, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/07/07;

Accepted: 2021/09/12;

Published Online 2021/12/12

 [10.30699/athar.42.3.364](https://doi.org/10.30699/athar.42.3.364)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Hosein Moradinasab

Associate Professor, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Email:

Moradinasab_h@yahoo.com

ABSTRACT

The foundation of any traditional architecture is undoubtedly the training of architects and its educational foundations. Especially Iranian architecture is a precious treasure that indicates the existence of rich architectural knowledge among them. Guild Fotovatnamehs written in this educational system are treatises that are a large part of the method for training craftsmen and artists about the character, ideas, rules, and customs of that guild and profession, and of course, these Fotovatnamehs clarify the training of applied industries in the Islamic period. Therefore, this research seeks to answer the question: How do Fotovatnames explain the foundation of traditional architecture education in Iran in three areas of ability, knowledge, and insight? The purpose of this study is to describe the educational foundation of traditional Iranian architecture with emphasis on the Fotovatnameh of the masons (Fotovatnameh-ye Banayan), which has been done in three areas of ability, knowledge, and insight. In terms of purpose, this research is fundamental, and in terms of type, it is qualitative. It has been performed using interpretive-historical texts and documents. Research findings show that ability and the creation of desirable traits are associated with physical and mental health. In the field of knowledge, teaching and learning are based on the teacher-student relationship, and the transfer of all skills is in the presence of a teacher who teaches architecture while practicing. He would professionally promote if he were worthy. In terms of insight, the master has wisdom and skill; during the teaching, emphasizing the presence of the heart and the sanctity of the practice, he also strives to train the student's soul.

Keywords: Traditional architecture education, Fotovatnameh-ye Banayan, Ability, Knowledge, Insight

Copyright © 2022. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Moradinasab, H., & Hashemi, S. (2021). Foundation of Traditional Architecture Education in Iran Based on Fotovatnameh with Emphasis on Fotovatnameh-ye Banayan. *Athar*, 42(3), 364-378.

مقاله پژوهشی

تبیین بنیان‌های آموزشی سنتی معماری در ایران بر پایه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان

حسین مرادی نسب^{۱*}، سروش هاشمی^۲

۱. استادیار گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲. مربی گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

خلاصه

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

نویسنده مسئول:

حسین مرادی نسب

استادیار گروه معماری، واحد سمنان،
دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

پست الکترونیک:

Moradinasab_h@yahoo.com

بن‌مایه هر معماری سنتی، بی‌تردید نشان از بنیان‌های آموزشی و تربیت معماران آن است؛ خصوصاً معماری سنتی ایران در دوره اسلامی، گنجینه گران‌بهایی است که مبین وجود دانش غنی معماری در میان آنهاست. فتوت‌نامه (های) صنفی که در این نظام آموزشی تهیه شده‌اند، رساله یا کتابی بوده است که به‌منظور تربیت صنعتگران و هنرمندان در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن صنف و پیشه نوشته شده است و بی‌گمان (این فتوت‌نامه‌ها) بخش عظیمی از روش آموزش صناعات کاربردی در دوره اسلامی را نشان می‌دهد. هدف از این پژوهش، تبیین بنیان‌های آموزشی سنتی معماری ایران با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان است که در حیطه سه بنیان آموزشی توانش، دانش و بینش انجام شده است؛ بنابراین این تحقیق در واکاوی متون تاریخی در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش است که چگونه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان بنیان‌های آموزش سنتی معماری در ایران را در سه حوزه توانش، دانش و بینش تبیین می‌سازند؟ این پژوهش از نظر هدف یک پژوهش بنیادی است و از لحاظ نوع، پژوهشی کیفی است که با رویکردی تفسیری-تاریخی بر پایه متون و اسناد تاریخی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حوزه بنیان توانش (شاگرد)، ورود به صنعت معماری ضمن سلامت جسمی و عقلی مستلزم داشتن اهلیت و متخلق به صفات پسندیده است و در حوزه بنیان دانش (افزایی)، تعلیم و تعلم بر پایه رابطه استاد-شاگردی بوده و انتقال تمامی مهارت‌ها در محضر استاد بوده که متعلم، در همان حین تعلیم عملی، آموزش معماری می‌دیده است و مدارج حرفه‌ای را (در صورت احراز شرایط) نیز طی می‌کرد و همچنین در حوزه بنیان بینش (معرفت) بخشی، استاد معماری مجهز به حکمت و مهارت است که در خلال آموزش تکنیک و مهارت به شاگرد، با تأکید بر حضور قلب و تقدس عمل به تربیت نفس شاگرد نیز همت می‌گمارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش سنتی معماری، فتوت‌نامه بنایان، توانش، دانش، بینش

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مرادی نسب حسین، هاشمی سروش. (۱۴۰۰). تبیین بنیان‌های آموزشی سنتی معماری در ایران بر پایه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان. فصلنامه علمی اثر، ۴۲ (۳)، ۳۶۴-۳۷۸.

مقدمه

(Taeschner, 1956). در این میان فتوت‌نامه‌ها از قدیمی‌ترین متونی هستند که نوعی مرام و مسلک اسلامی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ به‌طوری‌که اصحاب فتوت می‌بایست هم حرفه‌ای را بیاموزند و هم اصول و آیین جوانمردی را در کار خود رعایت کنند؛ فتوت‌نامه‌هایی که باید آنها را صنفی خوانند؛ چراکه هرکدام به صنف و پیشه‌ای مشغول‌اند و معانی فتوت را با توجه به ملزومات و آداب پیشه خود عرضه داشتند که از آن جمله می‌توان به فتوت‌نامه بنایان، طبّاخان، چیت‌سازان، قصابان و... اشاره کرد.

«متون ادب برای حرفه‌ها از جمله فتوت‌نامه‌های متون صنفی و حرفه‌ای هستند که شامل اصول حرفه، آموزش شاگردان، ریشه و بن‌مایه کار و فن در قالب ادبیات عامیانه هستند» (Ravanjoo, 2021)؛ بنابراین به نظر می‌رسد «با بررسی فتوت‌نامه‌ها که روش آموزش و رسیدن به مرحله استادی در حرف مختلف هنری و صنعتگری ایرانیان است» (Fizabi, 2008). می‌توان به بازبایی روش‌های سنتی آموزش معماری دست یافت «در بررسی متون فتوت‌نامه‌ها که مربوط به بنیان آموزشی است، باید مایه اساسی کار از متون اصلی استخراج شود» (Fizabi, 2008). متونی که «در هر حرفه و صنفی، صاحبان آن صنف بودند که این ساختار را تدوین می‌کردند تا اصول حرفه‌ای صناعات در ترکیب با اصول اخلاقی رعایت شود» (Izadi Dehkordi & Binayemotlah, 2019). به‌ویژه «در مدرسه معماری در ایران، سرزمینی که در آن مهارت و معرفت، فن و فتوت و معماری و حکمت جدایی‌ناپذیر بودند» (Hojjat, 2003) (جدول ۱). «بررسی‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد اصحاب صناعات معماری در حدود سده‌های ۵-۱۱/۶-۱۲ به حلقه‌های فتوت با اندیشه‌های صوفیانه پیوسته و آیین‌های اخلاقی را از ایشان اخذ کردند» (Taheri, 2009).

بی‌تردید آموزش معماری در همه زمان‌ها و مکان‌ها کیفیت ثابت و یکسانی نداشته است؛ به‌طوری‌که آموزش معماری در ایران تا قبل از دوران تجدد و پیدایش مدارس جدید آموزشی متعین بر پایه اصالت سنت و استوار بر دو مؤلفه مهارت و حکمت است (Hojjat, 2016, P.17). وجود آثار ارزشمند معماری ایران در دوره اسلامی در نمونه‌های متعالی خود نشان از تربیت معمارانی است اهل فتوت (Nadimi, 1996) که مجهز به مهارت، دانش و حکمت هستند و وظیفه ساخت و جاری کردن احکام (شرعی، عرفی، سنتی) در اثر معماری را به عهده دارند (Hojjat, 2016, P.103). معماری، بازتاب انتقال مفاهیم و ارزش‌هایی است که از آموزش آن آغاز می‌شود (Vafamehr, 2011) و همچنین بن‌مایه فرهنگی هر جامعه سنتی، بی‌تردید تربیت و روش‌های آموزشی آن است. متونی که در این نظام آموزشی غنی تهیه شده، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین منابعی است که می‌تواند ارکان و پایه‌های آموزشی هر صنف یا حرفه‌ای را روشن سازد. «در تصوف و حکمت اسلامی، صنعت به معنای عام آن، دلالت بر مطلق پیشه، حرفه و کار دارد» (Pazoki, 2007)؛ به‌طوری‌که صنایع و هنرها از جهات مختلف نظری و عملی یا متکی به تصوف و حکمت اسلامی یا مرتبط با آن هستند (Bolkhari Ghahi, 2011; Burchhardt, 1986; Hojjat, 2005;) به همین دلیل «طبقات هنرمندان و پیشه‌وران مسلمان، عموماً جزء طبقات جوانمردان یا فقیان نیز بوده‌اند» (Pazoki, 2007).

«آیین جوانمردی و تصوف هم‌زادند و با هم رشد کرده‌اند؛ به‌ویژه در کشورهای کهن صاحب تمدن و تدین چون ایران، زودتر از هر جای دیگر فتوت، رنگ تصوف به خود گرفت» (Sadri & Samadi, 2008)؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت «پیدایش این طرز تفکر و گروه خاص در ممالک عرب نبود، بلکه منشأ وجودی آن ایران بود و هدفشان کسب درجات معنوی بود»

جدول ۱. ارتباط هنر و معماری با حلقه‌های فتوت از نظر صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	دیدگاه
سید حسین نصر	اساتید هر صنف از جمله معماری از طریق همین ارتباط روحانی و صنفی، مراحل رازآشنایی را با پیوند اصناف و فتوت به وجود آوردند (Nasr, 2010).
شهرام پازوکی	هنر در عالم اسلام، ارتباط مستقیم با فتوت دارد و مهم‌ترین منبع درباره طبقات و اصناف هنرمندان، فتوت‌نامه‌هاست (Pazoki, 2007).
داریوش شایگان	ریشه فتوت در تصوف است، اما از حد تصوف درمی‌گذرد و می‌کوشد تا آیین تقدسی برای همه حرفه‌ها و اصناف را در پوشش آداب مذهبی، نسل به نسل منتقل سازد (Shaygan, 2013).
عیسی حجت	معماری صنعتی شریف است که در دست اهل فتوت است (Hojjat, 2012).
تیتوس بورکهارت ^۱	در بسیاری از شهرهای اسلامی، درآمدن به عضویت صنفی صنعتگر متضمن پیوستن به فتوت معنوی است (Burchhardt, 1986).
پرو- بیرابان ^۲	ترجمه هنری تفکر عرفانی اسلام و نمادگرایی محض آن را صنعتگران مسلمانی که به انجمن‌های اخوت صوفیه تعلق داشتند انجام می‌دادند (Najib oghloo, 2010).
نادر اردلان	آنان که می‌خواهند استادکار (معماری) شوند نزد اساتید صنعت و همین‌طور اساتید صوفی که همیشه نظام اصناف با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند، آموزش می‌بینند (Ardalan & Bakhtiyar, 2001).
نیر طهوری	درآمدن به حلقه‌های اصناف برای پیش‌گرفتن در هر حرفه‌ای، فقط از طریق آیین‌های فتوت امکان‌پذیر بود (Tahori, 2007).
حسن بلخاری	این عهدنامه‌های (فتوت‌نامه‌های) به‌جامانده از حلقه‌های فن و فتوت صناعات، معماران و بنایان روزگار گذشته فرهنگ ایرانی-اسلامی نمود و نشان حضور سیر و سلوک هنرمندان است (Bolkhari Ghahi, 2009).
هادی ندیمی	احداث شاهکارهای این چنین در معماری عقل‌سوز و ایمن‌ساز جز از سرپنجه معماران «اهل فتوت» بر نمی‌آمده است (Nadimi, 1996).

منبع: نگارندگان

اگر هدف از آموزش معماری را تربیت معمارانی بدانیم که دارای استعداد و توان و مسلط به دانش تخصصی باشند و این استعداد و دانش را در مسیر صحیح و در خدمت جامعه به کار گیرند، آنگاه می‌توانیم توانش، دانش و بینش را به‌عنوان سه بنیان اصلی دانش برای آموزش معماری معرفی کنیم (Hojjat, 2014). حال با توجه به جایگاه فتوت‌نامه‌ها خصوصاً فتوت‌نامه بنایان در آموزش سنتی معماری به باز یابی بنیان‌های آموزش یعنی توانش، دانش و بینش پرداخته می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. سه بنیان آموزش در معماری
منبع (Hojjat, 2014)

پرسش پژوهش

حوزه هنر و معماری (با تکیه بر فتوت‌نامه‌ها) به تبیین جایگاه اخلاقی، عقیدتی و همچنین جایگاه عرفانی- اسلامی این رساله‌ها در حوزه آموزش معماری پرداخته‌اند (جدول ۲)؛ بنابراین با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت‌گرفته به تبیین اصول بنیان‌های آموزش سنتی در معماری در سه حوزه توانش، دانش و بینش بر پایه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان پرداخته نشده است.

چگونه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان بنیان‌های آموزش سنتی معماری در ایران را در سه حوزه توانش، دانش و بینش تبیین می‌سازند؟

پیشینه تحقیق

علاوه بر دو کتاب «سنت و بدعت در آموزش معماری» و «مشق معماری» از عیسی حجت که به تفاوت‌های آموزش معماری در گذشته و حال می‌پردازد، مقالات پژوهشی ذیل در

جدول ۲. مقالات پژوهشی در حوزه هنر و معماری با تکیه بر فتوت‌نامه‌ها

منبع	مقاله	نتیجه‌گیری
(Khanmohamadi, 1992)	فتوت‌نامه بنایان	بخشی از رساله فتوت‌نامه بنایان
(Nadimi, 1996)	آیین جوانمردان و طریقت معماری سیری در فتوت‌نامه‌های معماران و بنایان و حرف وابسته	پیدا کردن اهلیت و سنخیت برای درک و فهم درون‌مایه هنر و معماری اسلامی
(Hojjat, 2003)	آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها	پیشنهاد تزکیه، تعلیم و حکمت برای آموزش معماری
(Ghayomi Bidhendi, 2006)	آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله معماریه	آموزش نظری- عملی بر پایه علوم دینی در رابطه استاد-شاگردی
(Khazai, 2008)	جایگاه اصناف فتوت در هنر ایران	ارتباط باطنی میان اهل فتوت با هنر
(Mosavi Gilani, 2011)	هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان	مبانی عرفانی و هنری در هنر چیت‌سازی
(Ghoddufar et al., 2012)	آموزش سنتی در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز	علاوه بر آموزش عملی، آموزش نظری وجود داشته است.
(Kateb & Shemili, 2005)	آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران	شالوده معنویت دینی و عرفانی در هنر
(Rokni, 2014)	فتوت‌نامه و لوح معماری (زیچ) از دوره قاجار	بخشی از فتوت‌نامه معماران در دوره قاجار
(Mousavi Gillani & Shakibadel, 2016)	سلوک عارفانه در سنت استاد و شاگردی فتوت‌نامه‌ها و تأثیر آن بر خلاقیت هنرمند	یاد و خاطره عالم معنا در خلق هنری هنرمند
(Aghasharifian Esfahani & Aminpour, 2015)	فتوت‌نامه معماری اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری و شهرسازی	اصول چهارده‌گانه اخلاقی
(Ebrahimi, 2016)	طرح یک مناقشه؛ بازخوانی وجه هنری فتوت‌نامه‌ها	فتوت‌نامه در میانه هنر سنتی و هنر دینی است.
(Khamechian et al., 2017)	معماری و ابعاد آموزش آن بر پایه متون حکمی	آموزش‌های اخلاقی توأم با آموزش‌های حرفه‌ای
(Izadi Dehkordi & Binayemotlah, 2019)	عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تأکید بر فتوت‌نامه)	تلفیق آداب و رسوم ایرانی با ارزش‌های اسلامی و اجرای نظام استاد و شاگردی
(Ebrahimi & Moosavi Gilani, 2019)	راهکارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند	هم‌نشینی بین معنویت و هنر
(Zandimoheb, 2021)	اصول آموزش معماری سنتی با استفاده از فتوت‌نامه‌ها	تأکید بر حوزه دانش (مهارت) افزایشی آموزش سنتی توأم با ارزش‌یابی آن

منبع: نگارندگان

روش تحقیق

«دقیق‌ترین راه شناخت آموزش معماری دوران پیش از مدرن، مراجعه به اسناد معماری آن، چه بناها و چه مکتوبات معماری است» (Ghayomi Bidhendi, 2006). با توجه به اینکه در حوزه مکتوبات معماری متأسفانه تاکنون جز یک فتوت‌نامه [اشاره به مقاله فتوت‌نامه بنایان از خان‌محمدی] در این زمینه، نگارنده چیزی مشاهده نکرده است (Nadimi, 1996). برای تقرب به نتایج ثوابت در این پژوهش علاوه بر بهره‌گیری از «فتوت‌نامه بنایان» و مقاله «فتوت‌نامه و لوح معماری (زیچ)»^۳ و کتاب «رساله معماریه»^۴ از دیگر متون مرتبط (فتوت‌نامه‌ها) چون «فتوت‌نامه سلطانی» و «فتوت‌نامه ناوه‌کشان» نیز بهره‌گیری شده است. این پژوهش از نظر هدف پژوهشی بنیادی است و از لحاظ نوع پژوهش کیفی محسوب می‌شود که با رویکرد تفسیری- تاریخی بر پایه متون و اسناد تاریخی انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

فتوت و فتوت‌نامه

«واژه فتوت به معنای جوانی، سخا، جوانمردی و ایثار است و بالاترین درجه آن ایثار به نفس است» (Moin, 1992). واژه فتوت از کلمه فتاه گرفته شده است، جوهری در صحاح می‌گوید: فتا به معنای جوان است و فعل آن «فتی» به معنای جوان شدن است (Johari, 1979)، «اما معنای مجازی آن سالک یا زائر معنوی است که به منزله دل رسیده است؛ یعنی حقیقت باطنی انسان را درک کرده است» (Corbin, 1984). فتوت‌نامه‌های به‌جامانده از قرون گذشته که به تدوین فتوت و اصول آن پرداخته‌اند، معنای فتوت را تزکیه نفس انسانی و آراستن آن به صفات نیکو می‌دانند؛ بنابراین جوانمردی و فتوت مقام مجاهده و سلوک است؛ سلوکی که از ساحت عمل ظاهری تا زندگی روحانی در بالاترین مرتبه و معنای آن را در بر می‌گیرد (جدول ۳).

جدول ۳. معنای فتوت در فتوت‌نامه

فتوت‌نامه	معنای فتوت
عبدالرزاق کاشانی	ظهور نور فطرت و استیلاي آن بر نور ظلمت تا تمامی فضایل در نفس و جان ظاهر شود و رذایل منتفی گردد (Corbin, 1984)
واعظ کاشف سبزواری	ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت نفسانی است تا زمانی که فضایل اخلاق در وجود آدمی ملکه گردد و رذایل زایل شود (Vaez kashef sabzevari, 1971)
ابوعبدالرحمن سلمی	انجام بهترین اطلاعات و ترک هر عمل ناپسند و مقیدبودن به مکارم اخلاق و خلق نیکو چه در ظاهر و چه در باطن و چه در خفا و آشکار (Selmi, 2018)
شمس‌الدین محمد آملی	معرفت کیفیت ظهور نور فطرت انسانی و استیلاي آن بر ظلمت نفسانی تا فضایل اخلاق به اسرها ملکه آنان گردد (Hamedani, 2003)
میر سید علی همدانی	مقامی است از مقامات سالکان و جزئی است از فقر و قسمتی از ولایت (Hamedani, 2003)
عنصرالمعالی	اصل فتوت سه چیز است: یکی آنچه هر چه گویی بکنی و دیگر آنکه خلاف است؛ نگویی سوم آنکه شکیب را به کار بندی (Onsor al maali, 2008)

منبع: نگارندگان

آموزش هنرهای کاربردی در روزگاران گذشته است» (Fizabi, 2008) و همچنین «حتی در کهن‌ترین فتوت‌نامه‌ها نیز در میان شرایط اهل فتوت قید شده است که اخی باید صاحب صنعتی باشد» (Golpinarli, 2000)؛

«فتوت‌نامه‌های صنفی، رساله یا کتابی است که (به‌منظور تربیت هنرمندان و صنعتگران) در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن صنعت یا هنر خاص نوشته شده و بی‌گمان مجموعه این فتوت‌نامه‌ها بخش عظیمی از روش

حرفه‌ها و اصناف را در پوشش آداب مذهبی نسل به نسل منتقل سازد» (Shaygan, 2013)؛ بنابراین «در گذشته فتوت در میان اهل صنوف مختلف جریان داشته و هریک از اصناف برای خود فتوت‌نامه جداگانه‌ای تنظیم کرده‌اند» (Corbin, 1984).

به‌طوری‌که «بر این باور بودند که اگر کسی وارد عرصه فتوت شود، شغل و حرفه او وارد عرصه فتوت و جوانمردی می‌شود» (Mosavi Gilani, 2011)؛ بنابراین «ریشه فتوت^۷ که در تصوف است، از حد تصوف می‌گذرد و می‌کوشد تا آیین تقدسی برای همه حرفه‌ها و اصناف^۸ تنظیم کند و اسرار آن

جدول ۴. شروط عام اخلاقی فقیان بر پایه فتوت‌نامه بنایان و فتوت‌نامه سلطانی و فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی

فضایل اخلاقی	توضیحات
شجاعت	امن و آن ثقت و طمأنینت است بآنکه در مخاوف و مصائب جزع نکند (Sarraaf, 1973) اولئک لهم الامن و هم مهتدون. (الانعام: ۶) و دیگر فرماید: لیطمئن القلوب (Khanmohamadi, 1992)
	تواضع خود اول مرتبه از شجاعت است، شجاعت آن باشد که نفس را مغلوب گردانی (Khanmohamadi, 1992) رسول اکرم: من تواضع رفعه الله. هر که تواضع کند خدا او را بالا می‌برد. استخراج وجه ثواب در افعال چنانکه باید کرد تا درست کرداری ملکه گردد (Sarraaf, 1973).
حکمت	صدق علی (ع): لامروه لکذوب یعنی دروغ‌زن را مردمی محال است (Khanmohamadi, 1992)
	هدایت مراد از هدایت و مشاهدت در این مقام عین البقین و رؤیت قلبی است (Sarraaf, 1973) گام‌نهادن در مسیر هدایت و رستگاری است (Corbin, 1984)
عفت	توبه صاحب فتوت کسی تواند بود که چون نیت رجوع از چیزی کرد، هرگز با آن معاودت ننماید (Sarraaf, 1973) توبو الی الله توبه نصحاً. توبه دو نوع است، توبه از ظاهر گناه و توبه باطن از خودبینی (Vaez kashef sabzevari, 1971) افادت چیزی است که ببايد داد کسی را که شاید بر وجهی که باید داد بی‌زحمت منتی یا توقع غرض و عوضی (Sarraaf, 1973)
	سخا رسول اکرم: السخی لایدخل النار، بی سؤال عطا کند به محل و ملاحظه استحقاق نماید (Vaez kashef sabzevari, 1971)
عدالت	وفا من المؤمنین الرجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه (احزاب: ۲۳) (Sarraaf, 1973) صدق عهد و وعد. المرء اذا وعد وفی (Khanmohamadi, 1992)
	نصیحه آن مبدأ ظهور عدالت است و عدالت صورت اجتماعی است مر جمیع فضایل را (Sarraaf, 1973) یادآوری صفات و خصائل انسانی و نیز بیدار کردن عشق به این صفات (Corbin, 1984)

منبع: نگارندگان

بحث

بنیان توانش شاگرد

اولین شرط ورود به صناعات و پیشه را آراستگی و ادب دانسته و اهلیت^۹ یافتن و تخلق به اخلاق جوانمردی و فتوت برشمرده‌اند (Nadimi, 1996) و آن بدین‌صورت است که «هشت خصلت است که بر فقیان ثابت است. چهار آن عام و چهار آن خاص این گروه باشد. چنانچه قطب دایره فتوت امیرالمؤمنین (ع) بدان اشارت فرموده حیث قال: اصل الفتوه

الوفاء و الصدق و الامن و السخاء و التواضع و النصیحه و هدایه و توبه و لایستا هل الفتوه المن یستعمل هذه الخصال» (Khanmohamadi, 1992) (جدول ۴).

«پس حاصل آن بانصاف بجمیع فضایل اخلاقی درآید چه فضایل به یک‌بار در چهار جنس منحصرند: شجاعت، حکمت، عفت و عدالت و اصول هشتگانه هر دو خصلت از جنسی از این چهارگانه‌اند: امن و تواضع از باب شجاعت، صدق و هدایت از باب حکمت، توبه و سخا از باب عفت، وفا و نصیحت از باب

شاگرد) نیز بوده است؛ نمونه‌ای از آن در رساله معماری این چنین آمده است: «استادان (معماری) جوان را گفتند: این فرزند اگر چنان‌که گویند به حقیقت قابل باشد و بدین صنعت‌ها مایل باشد، اندر حال وی آزمون سهل باشد... استاد محمد (خلیفه صدف‌کاران و معماران) در حال تیشه‌ای برگرفت و تخته‌ای و نشانی بر آن نهاد. اگر تیشه راست بر نشان خورد، میل و قابلیت وی فرمانماید و در این صنعت سخت استاد و ماهر گردد... استادان حاضر از ضربات جوان (آغا) بر نشان و حرکات تیشه وی، حیران و مبهوت شدند، گفتند سزد در معماری و صدف‌کاری استاد گردی» (Afandi, 1997) بنابراین ورود به صناعات معماری در حوزه توانش، مستلزم داشتن اهلیت و متخلق به فضایل پسندیده توأم با سلامت جسمی و عقلی به همراه استعداد است.

عدالت» (Sarrafi, 1973) (جدول ۴) «و دیگر بدان که شرایط خاص و استعداد در این طایفه هفت است» (Khanmohamadi, 1992) (جدول ۵).

بنابراین این شرایط ورود به صنعت نشان از این است که هرکسی را به عضویت نمی‌پذیرفتند و قائل به گزینش بودند «چنانچه نقل است: چون علاءالدوله کیقباد سلجوقی (قرن هفتم) از امرای سلجوقی پس از پدرش وارد مسلک فتوت شد از عمارات و صناعات حکاکی، نجاری و سراجی مهارت و خلاقیت بی‌نهایت یافت. همان‌طور که مشاهده می‌شود وی پس از ورود به مسلک فتوت، معماری و بنایی و حکاکی را یاد گرفت یعنی کسی بدون ورود به مسلک فتوت نمی‌توانست تخصصی را فراگیرد» (Pazoki, 2013)، اما ورود به صنف هم علاوه بر اهلیت مستلزم سنجش و توانایی متعلم

جدول ۵. شروط خاص و استعداد برای ورود به صنعت معماری بر پایه فتوت‌نامه بنایان

صفات اخلاقی	صفات جسمی
۳. عیب فاحش ظاهر و باطن نداشته باشد؛ چون مخنث‌بودن با جذام و برص	۱. فتوت تنها آیین مردان است. ۲. فتوت صفت شرف و کمال است و آن وقت مستلزم ادلال
۵. دین‌داشتن	۴. بلاغت مبدأ ظهور عقل و خروج قوه ملکی از قوه به فعل ۵. کسی که ممیز باشد و خوبی از قبیح تمیز دهد.
۶. مروت	۶. مروت ۷. واسط کسب کمال ۸. تمیز پاکی از ناپاکی
۶. مروت	۹. فتوت کمال دین است و کمال هر چیز متفرع از اصل خواهد بود و فرع بی‌اصل محال. ۱۰. دین ریشه است و فتوت شاخه آن
۱۱. ناصیه کمال و دلیل نجابت جوهر نفس. ۱۲. قال نبی (ص): الحیاء من الایمان	۷. حیا

منبع (Khanmohamadi, 1992)

بنیان دانش (افزایی)

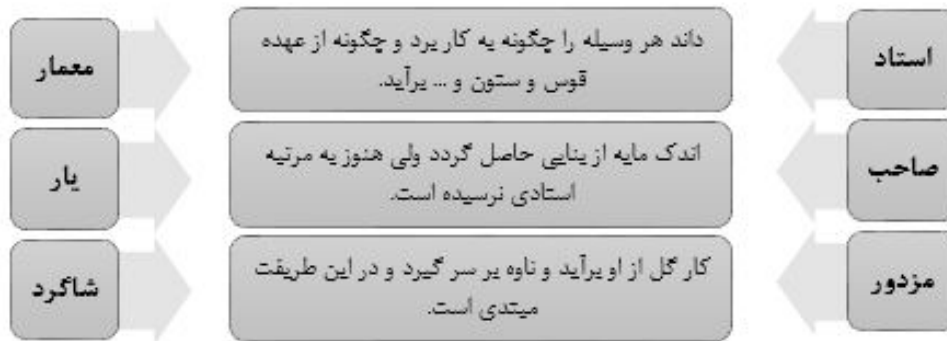
دارای شرایطی است؛ بدین‌صورت که در فتوت‌نامه بنایان نیز چنین آمده است «اگر پرسند بنایی را چند حکم باشد، بگو که ده حکم است: اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد... چهارم در کار خود استاد باشد و... دهم آنکه در کار خود چست و چالاک باشد» (Khanmohamadi, 1992) و این صنف غالباً توسط استادی رهبری می‌شود که هم صوفی است و هم

در صناعات و پیشه‌ها «بدان که هیچ‌کاری بدون استاد میسر نمی‌شود و هر که بی‌استاد کاری کند بی‌بنیاد باشد» (Vaez kashaf sabzevari, 1971) و همچنین اهل فتوت معتقد بوده‌اند که هر انسان صنعتگری ناگزیر از داشتن استاد است که از او صنعت یا علمی را بیاموزند و درواقع استاد، قوه نهفته در صنعت را برمی‌انگیخت تا آن را به مرحله فعل برساند» (Kateb & Shemili, 2005). البته استاد بنا بودن

معماری پیش می‌رفت مدارج حرفه‌ای را هم می‌پیمود» (Ghayomi Bidhendi, 2006). به‌ویژه آموزش هندسه و ریاضیات و روش‌های ترسیم و اجراهای متفاوت در این آموزش سنتی معماری توسط استاد دارای اهمیت بوده است؛ از جمله دیگر مهارت‌ها که به شاگرد آموزش داده می‌شد، می‌توان در دسته‌بندی نیارش، سازه و ایستایی ساختمان‌ها آورد که روش‌های اجرا در مناطق مختلف متناسب با مصالح، مقاومت زمین، چگونگی ساخت و قوانین سازه‌ای برای ساخت بنای پایدار به او آموخته می‌شد (Zandimoheb, 2021).

«روزی در کارگاه صدف‌کاران و معماری دید استادی جوان در حال تعلیم کتابی درباره هندسه^{۱۱} است: جوان استادان را گفت: در این زمانه این کتاب شریف جمله این علم لطیف [هندسه] بیان کند آنکه این علم مستطاب و این فن کمیاب درنیافته است، صدف‌کاری به کمال نخواهد رسید و در صنعت معماری حذاقت و مهارت نخواهد یافت» (Afandi, 1997). درنهایت «از میان شاگردان ماهرترین و فهم‌ترین ایشان، آنگاه که به پختگی رسید و بر رمز و راز کار و آیین فتوت و جوانمردی دست می‌یافته، به کسوت استادی درمی‌آمده است» (Hojjat, 2014). «ارتقایافتن به استادی و کسب اجازه از استاد فن^{۱۲} و حق فعالیت حرفه‌ای با بستن لنگ و مراسم خاص همراه بوده است» (Golpinarli, 2000)؛ بنابراین دوران آموزش معماری بسیار طولانی و جامع‌الاطراف بوده، معماران نخبگان فاخر اجتماع بوده و مولانا^{۱۳} خطاب می‌شدند. اینان بر علوم و فنون زمانه خود مسلط بوده و در هنرهای وابسته به معماری مقام استادی داشتند (Abolghasemi, 2013). «بدان که بنایان را مراتبی است که ایشان را بدان مراتب می‌شناسند» (Khanmohamadi, 1992) (شکل ۲)؛ بنابراین در حوزه بنیان دانش (افزایی)، تعلیم و تعلم بر پایه رابطه استاد-شاگردی بوده و انتقال تمامی مهارت‌ها در محضر استاد بوده که متعلم، در همان حین تعلیم عملی آموزش معماری می‌دید و ارتقا به مدارج حرفه‌ای را (در صورت احراز شرایط) نیز طی می‌کرد.

صنعت‌پیشه‌ای صاحب دانش آگاهانه به اصول حاکم بر هنرش (Ardalan & Bakhtiyar, 2001). در این باره افندی در کتاب رساله معماریه از استادش [حضرت آغا] هنگام ساخت بنایی این‌گونه روایت می‌کند: «از سر تواضع و خوار خویشتن، در کنار سجاده بر خاک بنشسته بود، سبجه‌ای به دست راست داشت و چوب‌خطی به دست چپ. با دست راست بی‌وقفه سبجه می‌چرخاند و با هر دانه ذکر اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله، سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بر زبان می‌راند. گاه بر اطراف نظر می‌افکند و بنایان اهمال‌کار را به کار می‌فرمود و بر ایشان بانگ می‌زد و با چوب‌خطی که به دست چپ داشت نشان می‌داد» (Afandi, 1997)؛ پس این نظام آموزشی دارای دو رکن اساسی بوده است؛ به‌صورت ارتباط استاد با شاگرد؛ به‌گونه‌ای که شاگردان را آموزد و قابلیت هریک را بشناسد. همچنین باید تشخیص بدهد چه نوع دانش و معرفتی برای هرکدام لازم است و شاگردانش در چه نوع فن و هنری و تا کجا می‌توانند پیشرفت داشته باشند. «حق صاحب بر تربیه [شاگرد] آنست که یکان، یکان تربیگان خود را هر یک به قدر خویش آزموده و دانسته بود که هریک از علم و معرفت چیست؟ و چه مقدار است؟ و تصرف کند که هر یک از چه هنر است؟ و چه خصلت دارد؟ و که عالم‌تر است و با معرفت‌تر؟ و در چه هنر استادتر؟ دانسته کی اهل علم و حلم و حکمت و هنر و تربیت و ادب و تصرف» (Sarrafi, 1973)؛ به‌طوری‌که هنروران و فقیان در تمرین هر روزه زیر نظر استاد باید به مهارت و جدیتی در عمل دست یابند که کمترین خطا و سستی در طریق را رقم زند؛ چراکه اتمام کار و کامل کردن آن از شرایط اهل فتوت است (Mousavi Gillani & Shakibadel, 2016). «من الفتوه: اتمام الصنعه اذا ابتدات بها» (Selmi, 1993). البته «برای ارتقا از درجه‌ای به درجه بالاتر همان‌گونه که اهلیت شرط است، مهارت در صنعت و صبر هم شرط است» (Golpinarli, 2000). به‌گونه‌ای که «متعلم معماری، در همان حین تعلم، معماری می‌کرد، مراتب آموزش همان مراتب حرفه بود و آنکه مهارت ۱۰ معماری می‌آموخت همچنان که پله به پله در آموزش



شکل ۲. سلسله مراتب بنایان

منبع (Corbin, 1984; Hilen, 2016; Khanmohamadi, 1992)

استاد صدف کار را گفت: پیر استاد سنگ کار و آنان که مساجد شریفه و جوامع لطیفه سازند کیست؟ خود بگویم: پیر ایشان شیث پیغامبر، پور آدم صفی‌الله که درود خدای بر ایشان باد. پیر درودگران، حضرت نوح پیغامبر (ع) است و ...» (Afandi, 1997) بنابراین طبق اصول فتیان، جنبه معنوی و باطنی یک حرفه از یک نبی یا ولی اخذ شده است (جدول ۶). به همین دلیل «پیشینه این صنعتگران قبل از اینکه جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است و هنرمندان با پیشه خویش سلوک معنوی می‌کردند. از این جهت اصولاً برای ورود به طریقت موظف می‌شدند که هنر یا صنعتی را اختیار کنند. آنها وقتی می‌خواستند صنعتی را بیاموزند، ابتدا آداب، تزکیه نفس و مراقبه را از استاد صنعت خویش فرامی‌گرفتند» (Pazoki, 2007).

بنیان بینش (معرفت) بخشی

در ابتدای فتوت‌نامه بنایان بعد از حمد خدا و رسول خدا اشاره به رساله‌ای است که منصوب به امام محمدجعفر صادق (ع) است؛ به طوری که مسئله توحید و نبوت در فتوت‌نامه حضوری پررنگ دارد «بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و الصلوه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین. بعد از حمد و درود بر رسول او، بدان که این رساله‌ای است اندر فتوت بنایان که منسوب است به امام کامل امام جعفر صادق (ع) که آن بزرگوار چنین گفته و نوشته‌اند تا اهل این حرفه بدانند و یاد گیرند» (Khanmohamadi, 1992). «اگر پرسند که چند استاد بنا بوده‌اند و نخستین ایشان چه کسی است، بگو که دوازده تن بودند؛ چنانچه امام به حق ناطق امام جعفر صادق (ع) فرموده است که دوازده تن استاد کامل بوده‌اند که پیر همه ایشان حضرت امیرالمؤمنین (ع) است» (Khanmohamadi, 1992) که «ارتباط با استاد و نظام صوفی-صوفیانه فرد را با شیخ و از آن طریق با نبی یا ولی، منشأ مقدس حرفه یعنی با تاریخ پیوند می‌داد، همین ارتباط وکوی او را از طریق پیر به مولی الموحدین علی (ع) و پیامبر و خداوند یعنی به نظام هستی، مرتبط می‌ساخت» (Ghayomi Bidhendi, 2006). همان‌طور که در رساله معماریه آمده است «استاد هندسه،

جدول ۶. منشأ قدسی و معنوی حرفهٔ بنایی در فتوت‌نامهٔ بنایان

اول بنا که بود؟	بگو	اول بنا ابراهیم خلیل‌الله بود علیه‌السلام که خانهٔ کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند اول بنا نوح پیامبر بود علیه‌السلام که چون طوفان بنشست شهرها و روستاها دیگر بار بساخت و مردمان در آن شهرها و روستاها سکنی گزیدند و آبادانی زیاد شد.
بزرگ‌ترین بنایان که بود؟	بگو	پیغامبر ما بود صلوات الله علیه که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش بار دیگر مؤمنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند و حجرالاسود به دست خویش بر آن بنهاد.
کریم بنایان که بود؟	بگو	علی بود، امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در بنای مسجد مدینه پیامبر را معاضدت کرد و او سر جوانمردان است و بزرگ‌ترین ایشان در مقام. چنانکه حدیث در مقام اوست، لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار.

منبع (Khanmohamadi, 1992)

کسب مهارت در این پیشه‌ها، از خرد تا کلان، مستلزم یادآوری بشارت‌ها و تندیهای دینی در عمل بود که با ذکر آیاتی از قرآن مجید و دعاها متناسب با همان حرفه یکی پس از دیگری و در مراحل متفاوت کار، با آداب همان حرفه همراه می‌شد و بر زبان جاری می‌گشت (Tahori, 2007). این همان سنت رایج فتوت‌نامه‌هاست که هر عملی از اعمال صناعات را بر آیه‌ای از قرآن مستدل و متبرک می‌کنند. (جدول ۷) تا علاوه بر یادگیری تمامی فنون عملی کار همراه با شگردها و روش طراحی آنها، راز و رمزهای معنوی در درون هنرجو با نظارت استاد پرورش یابد (Noghrekar et al., 2008).

همچنین یکی دیگر از مهم‌ترین نکات در فتوت‌نامه‌ها توجه داشتن اصحاب صناعات به وجود حکمی ابزار و مواد است که هریک دارای ذکر خاصی هنگام عمل است. طریقت باطنی و آیین جوانمردی است، همچنین بر پیشه‌ور فرض است که در هر مقامی از انجام کاری خود، ذکری بر لب داشته باشد، نکته قابل توجه در این مشخصه محتوای فتوت‌نامه، حکمت بخشی یا به تعبیر دیگر، بیان حکمت نهفته در عمل بنایی و ارتباط معنای اذکار وارده با نفس عمل است؛ زیرا «ذکر رکنی قوی است اندر طریقت حق، سبحانه و تعالی و هیچ‌کس به خدای تعالی نرسد مگر به ذکر مداوم» (Ghosheiri, 2002) به‌عنوان مثال «استادی از معماران سنتی کاشان می‌گوید: پدر من پوش گنبد را با ذکر صلوات شروع و هنگام کار، مدیحه‌سرایی می‌کرد؛ به‌طوری‌که

بدین‌صورت که در فتوت‌نامهٔ بنایان برای سلوک اخلاقی پیشه‌وران ابتدا بر خود فرض می‌دانستند که احکام، آداب و نکات اخلاقی هر حرفه را به پیشه‌ور بیاموزند؛ بدین‌صورت که «اگر پرسند که چند اصل است بنایی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جادهٔ راستی بودن، سیم با حیابودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان» (Khanmohamadi, 1992). برای بینش بخشی توسط استاد صورت می‌گرفت که خود اهل سیر و سلوک بوده و به تعلیم و راهنمایی شاگردان می‌پرداختند؛ همان‌طور که در فتوت‌نامهٔ بنایان درخصوص این مقام این‌گونه اشاره شده است: «اگر پرسند بنایی را چند حکم باشد بگو: ده حکم، اول آنکه هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد» (Khanmohamadi, 1992). به مانند «حضرت آغا [استاد جعفر افندی] چون طریقت حسنات را سالک بود با آنکه چندان خصال پسندیده و افعال حمیده سالک بود خرسند نبود و در توفیر و تکثیر آنها می‌کوشید» (Afandi, 1997). از نکات قابل توجه فتوت‌نامه‌ها این است که برای دستوره‌های خود یک منشأ قدسی قائل می‌شوند «بعد معرفتی اسلامی و تقدسی فنون به قدری زیاد بوده است که شاغلان به آنها بایستی اذکار و ادعیه و آیاتی از قرآن کریم را مناسب هر مرحله از کار خویش با توکل بر خداوند و سپس پیر و متقدم آن صنف انجام می‌دادند» (Kateb & Shemili, 2005)؛ به‌طوری‌که

معرفتی به تربیت نفس شاگرد همت می‌گمارد» (Mousavi & Gillani & Shakibadel, 2016)؛ زیرا «معمار در این شرایط فردی جامع‌الشرایط^{۱۴} و مجهز به حکمت و مهارت و دارای منزلت والا در جامعه است» (Hojjat, 2014).

مردان و زنان جمع می‌شدند و در طول پوشش گنبد گریه می‌کردند» (Eslami & Mandegari, 2005). در واقع «استاد در سنت فتوت در خلال آموزش تکنیک و مهارت هنر خود با تأکید بر حضور قلب و تقدس عمل، به‌عنوان پیرو مرشد

جدول ۷. ذکرهای قرآنی در مراحل انجام کار بنایی بر پایه فتوت‌نامه بنایان

پاسخ	پرسش	اگر پرسند
لیس للانسان الا ما سعی. نجم: ۳۹	چون به سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی؟	
یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابنه و صاحبته و بنیه. عبس: ۳۴	چون تیشه به دست گیری کدام آیه خوانی؟	
یا ایها الذین آمنوا توبوا لی الله توبه نصوحا. تحریم: ۸	چون ماله به دست گیری چه گویی؟	
لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب و تولى، ان جاء الاعمی. لیل: ۱۵	چون قالب به دست گیری چه خوانی؟	
و اما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه. قارعه: ۶	چون ناوه به دست گیری چه گویی؟	
افلا یعلم اذا بعثر ما فی القبور و حصل ما فی الصدور. عادیات: ۹	چون ریسمان به دست گیری چه گویی؟	
فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شرّاً یره. زلزال: ۸	چون شاغل افکنی کدام آیه خوانی؟	
یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قدير. تحریم: ۸	اگر چوب زاویه به دست گیری چه گویی؟	
یا ایها الذین آمنوا توبوا لی الله توبه نصوحاً. تحریم: ۸	چون ماله بر گل کشی کدام آیه از قرآن خوانی؟	
یقولون اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء علیم. تحریم: ۸	اگر طرح گنبد اندازی و طاقها راست کنی چه گویی؟	
الم یعلم بان الله بری. علق: ۱۴	آنگاه که زاویه‌ها در بندی چه خوانی؟	
عسی ربکم ان یغفر عنکم سیئاتکم و ید خلکم جنات تجری من تحتها الانهار. تحریم: ۸	آن زمان که بر کار بالا روی و بر ارتفاع بایستی چه خوانی؟	
و برزت الجحیم لمن یری فامامن طغی و اثر الحیوه الدنیا فان جحیم هی الماوی. نازعات: ۳۶	چون پایین آبی و بر زمین قرار گیری چه گویی؟	
الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا باحق و تواصوا بالصبر. عصر: ۳	چون دست در گل کنی چه گویی؟	
اذا زلزلت الارض زلزالها. زلزله: ۱	چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی؟	
یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا. یس: ۵۲	چون گل بر قالب نهی چه خوانی؟	

منبع (Khanmohamadi, 1992)

جدول ۸. وجه حکمی ابزار معماری و ذکر آن هنگام عمل

شماره در لوح	رسالت	ذکر هنگام عمل	اشارت	ابزار
A9 تا A3	راهنما-هادی	یا حی یا قیوم	امر رب جلیل	گونیا چیست؟
B6 تا B1 و A10	راهرو	یا قاضی الحاجات یا کافی المهمات	سر ریسمان توجه و پای ریسمان توکل	ریسمان چیست؟
A20 تا A13	عدل و میزان	یا حکم، یا عدل	دستور پیر	شمشه چیست؟
A23 و A22		یا معید	میزان پیر	شاغول چیست؟
B21 تا B13	سر گز راستی و پای گز کار است	تسبیح حضرت معبود حقشی الا یسیح بحمده و لکن یفقهون تسبیهم	معلم پیر	ذرع ۱۴ چیست؟

منبع (Rokni, 2014)

استاد- شاگردی مبتنی بر تربیت معنوی توأم با تربیت حرفه‌ای بوده است؛ البته ساختار و اصول حرفه‌ای صناعات در هر حرفه و صنفی را صاحبان همان صنف تدوین می‌کردند تا ترکیب آنها با اصول اخلاقی به تمام و کمال رعایت شود. فتوت‌نامه‌ها در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تأثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول عقیدتی، اخلاقی و انسانی به همراه داشته است؛ البته تنها به شرح اصول عرفانی و تذهیب نفس محدود نشده‌اند، بلکه این اصول اخلاقی را در پیشه خود نیز تسری داده‌اند تا بدین طریق ضمن شرافت بخشی به صناعات حکمت نظری را به حکمت عملی مبدل نمایند. بدین صورت که ابتدا شاگرد پس از ورود به مسلک فتوت در صورت داشتن استعداد و توانش (با گزینش) تحت آموزش استاد معماری قرار می‌گرفت سپس افزایش دانش و مهارت شاگرد در حوزه‌های فنی، اجرایی و اقلیمی توأم با کسب مدارج حرفه‌ای (در صورت احراز شرایط) صورت می‌گرفت. همچنین علاوه بر وجه حکمی ابزار معماری که هر یک دارای معنای ویژه در طریقت باطنی و آیین جوانمردی است بر شاگرد فرض است زیر نظر استاد معماری (حکیم) در هر مقامی از انجام کار ذکری بر لب داشته باشد که این خود بینش بخشی یا به عبارت دیگر بیان حکمت نهفته در عمل است.

در این لوح (زیچ) معماری «تمامی اعمال و یکایک ابزارها به دقت توصیف گردیده است و سراسر اعمال و افعال این حرفه به صورت خدمتی الهی درآمده است میان کار و جنبه تمثیلی آن نوعی همسانی و همگنی است» (Corbin, 1984) (جدول ۸). وقتی در صنعت و پیشه خود همه روزه با ابزار و آلات و اصولی روبه‌روست که هر یک دارای معنای ویژه در شاگرد نیز «در حین آموختن فنون ویژه‌ای هر حرفه برای کسب مهارت، مراتب سلوک را نیز گام به گام و مرحله به مرحله طی می‌کرد تا به استادی می‌رسید و فرد هرگز تحت آموزش صرف صنعتی خاص بدون آداب سلوک قرار نمی‌گرفت» (Tahori, 2007)؛ در حوزه بینش (معرفت) بخشی، استاد که فردی جامع‌الشرایط^{۱۵} و مجهز به حکمت و مهارت است (Hojjat, 2014)؛ زیرا «می‌بایست در نهایت محصول معماری بتواند تأمین‌کننده نیازهای فیزیکی و مادی باشد و از سوی دیگر برای سیر و سلوک اختیاری و روحانی با ایجاد فضای آرامش‌بخش بسترسازی کند» (Noghrekar et al., 2008). در خلال آموزش تکنیک و مهارت به شاگرد، با تأکید بر حضور قلب و تقدس عمل به تربیت نفس شاگرد همت می‌گمارد؛ به طوری که به کارگیری هر ابزار و انجام عملی توأم با ذکر زبانی و قلبی بوده است.

نتیجه‌گیری

بن‌مایه فرهنگی هر جامعه سنتی بی‌تردید تربیت و روش‌های آموزشی آن است. فتوت‌نامه‌های صنفی، رساله یا کتابی بوده‌اند که به منظور تربیت هنرمندان و صنعتگران در باب منش، عقاید و قوانین آن صنف نوشته شده است که بر پایه آنها اصحاب فتوت (صنعتگران و هنرمندان) می‌بایست هم حرفه‌ای بیاموزند و هم اصول و آیین جوانمردی را در کار خود رعایت کنند. بر پایه فتوت‌نامه‌ها آموزش سنتی معماری در دوره اسلامی با تأکید بر فتوت‌نامه بنایان بر پایه ارتباط

سپاسگزاری

وجود ندارد.

منابع مالی

وجود ندارد.

تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

References

Abolghasemi, L. (2013). *Islamic Art and Architecture of Iran* (B. t. e. o. A. Omranipour, Ed.). Tehran: Payam.

Afandi, J. (1997). *Architecture treatise* (M. G. bidhendi, Trans.). Cultural spaces development company.

- Aghasharifian Esfahani, M., & Aminpour, A. (2015). Magnanimity Letter of Architecture; Fourteen main principles of professional ethics in architecture and urbanism. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism*, 1(1), 81-100.
- Ardalan, N., & Bakhtiyar, L. (2001). *Sense of Unity, a mystical tradition in Iranian architecture* (H. Shahrokh, Trans.). Tehran: khak.
- Bolkhari Ghahi, H. (2009). *Fantasy and beauty geometry*. Tehran: Shadrang.
- Bolkhari Ghahi, H. (2011). *Mystical approach to Islamic art, boldness in what Islamic art is* (T. b. H. Rabii, Ed.). Tehran: Academy of Art.
- Burchhardt, T. (1986). *Language and expression of Islamic art* (M. Rajabniya, Trans.). Tehran: Soroush.
- Corbin, H. (1984). *The ritual of chivalry* (T. b. E. Naraghi, Trans.). Tehran: New publication.
- Ebrahimi, A., & Moosavi Gilani, S. (2019). Theoretical and Practical Approaches for Spiritual Conduct of Artist in Fotowatnameh. *Art & Media Studies*, 1(1), 11-36. http://ami.journals.hozehkh.com/article_61.html
- Ebrahimi, A. R. (2016). An Analysis on the Aspect of Art in Fotowatnamehs from the Perspective of Traditionalism. *Kimiya-ye-Honar*, 5(20), 103-115. <http://kimiahonar.ir/article-1-778-fa.html>
- Eslami, G., & Mandegari, K. (2005). *Architecture training and training of architects, Articles The first symposium on spirituality and art education*. Tehran: Academy of Art.
- Fizabi, B. (2008). A Study of Artistic Educational Traditions in Fotovatnameh. *Imagination Mirror Magazine*, 11, 128-131.
- Ghayomi Bidhendi, M. (2006). Teaching architecture in the pre-modern era based on the treatise on architecture. *Soffeh*, 42(15), 64-85.
- Ghoddusifar, S., Etesam, I., & Habib, F. (2012). Iranian Traditional architecture Education and Place of Subjective Perception in it. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 1(1), 39-58. <http://jias.kashanu.ac.ir/article-1-34-en.html>
- Ghosheiri, A. (2002). *Qeshiriyeh treatise, Transleted by Abo Ali Hasan Ahmad Osmani* (Try by Badi o zaman Forozanfar ed.). Tehran: Scientific and cultural publications.
- Golpinarli, A. (2000). *Photo in Islamic countries* (D. T. Sobhani, Trans.). Tehran: Rozane.
- Hamedani, S. A. (2003). *Fotovat-Nameh*. Tehran: Asatir.
- Hilen, B. (2016). *Islamic Architecture* (B. A. z. Shirazi, Trans.). Tehran: Rozane.
- Hojjat, I. (2003). Architecture education and the worthlessness of values. *Honar-ha-ye Ziba*, 14(14), 63-70. https://jhz.ut.ac.ir/article_10814.html
- Hojjat, I. (2012). *Architectural exercises*. Tehran: University of Tehran.
- Hojjat, I. (2014). *Tradition and innovation in teaching architecture*. Tehran: University of Tehran.
- Hojjat, M. (2005). Shiism and its impact on art. *A Quarterly for Shia Studies*, 11, 119-216.
- Izadi Dehkordi, s. M., & Binayemotlah, S. (2019). Islamic Mysticism and Spiritual Manners of Teaching Arts (with a Focus on Books of Futuwwa). *Journal Of Islamic Denominations*, 5(10), 117-139. https://mazaheb.urdu.ac.ir/article_89423.html
- Johari, E. (1979). *Shiite means*. Qom: Al albeit institute.
- Kateb, F., & Shemili, F. (2005). The ritual of Photo and the educational system of arts and crafts in Iran. *pazhuhesh- e Honar*(4), 99-108.
- Khamechian, A., Azad, M., & Farshchi, H. (2017). Architecture and its Training Aspects Based on Wisdom Manuscripts (With Emphasis on Iranian- Islamic Identity). *Armanshahr Architecture & Urban Development, J Architecture, Urban Design& UrbanPlanning*, 10(19), 1-10. http://www.armanshahrjournal.com/article_50328.html
- Khanmohamadi, A. (1992). Fotovatnameh of the builders. *Soffeh*, 1(2), 10-15.
- Khazai, M. (2008). *The position of photo guilds in Iranian art*. Book of the Month of Art.

- Moin, M. (1992). *Persian culture*. Tehran: Amir Kabir.
- Mosavi Gilani, S. (2011). Islamic Art in the Mirror of Photo Letters with Emphasis on Chit Sazan Photo Letters. *Honar Eslamic*, 15(8), 21-34.
- Mousavi Gillani, S. R., & Shakibadel, M. (2016). Mystical Journey in the Master-Disciple Tradition of Letters on Chivalry and its Impact on Creativity of Artist. *Journal of Ain-e-Hikmat*, 8(28), 197-219. http://pwq.bou.ac.ir/article_21557.html
- Nadimi, H. (1996). The ritual of gentlemen and the way of Siri architects in the photo letter of architects and buildings and related words. *Soffeh*, 21(6), 6-21.
- Najib oghloo, G. (2010). *Geomrtry and decoration in Islamic architecture* (M. G. bidhendi, Trans.). Tehran: Rozane.
- Nasr, H. (2009). *Knowledge and spirituality* (E. Rahmati, Trans.). Tehran: Sohrevardi.
- Nasr, H. (2010). *Islamic art and spirituality* (R. Ghasemiyan, Trans.). Tehran: Hekmmat Publishers.
- Noghrekar, A., Hamzenezhad, M., & Ranjbar kermani, A. (2008). *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Ueban Planning*. Department of Housing and Urban Development.
- Onsor al maali, K. (2008). *Qaboos letter, Corrected by Gholam Hossein Mousavi*. Tehran: Scientific and cultural publications.
- Pazoki, S. (2007). The meaning of industry in Islamic wisdom, Description and analysis of Mirfandersk's industrial treatise. *Kheradname-ye Sadra*(48), 95-106. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=65194>
- Pazoki, S. (2013). *The wisdom of art and beauty in Islam*. Tehran: Academy of Art.
- Ravanjoo, A. (2021). Adab-ol-mashghs as Calligraphers' Fotovat-nameh. *Biquarterly, Scholarly Journal of Theoretical Principles of Visual Arts, Iranian Scientific Association of Visual Arts*, 5(2), 112-123. <https://doi.org/10.22051/jtpva.2020.27403.1107>
- Rokni, N. (2014). Fotovatnameh and architectural tablet (Zij) from Qajar period in Malek National Library and Museum. *Athar*, 65(35), 51-62.
- Sadri, J., & Samadi, A. (2008). Photo and Sufism and their effect on each other. *Religions and myst*.
- Sarraf, M. (1973). *Letters of gentlemen containing seven Fotovatnameh*. Tehran: French Institute for Scientific Research in Iran.
- Selmi, A. (1993). *Collection, Collected by Nasrullah pourjavadi*. Tehran: University Publication Center.
- Selmi, A. (2018). *Alfotova book*. Matba jame Akghre.
- Shaygan, D. (2013). *Horizons of spiritual thinking in Iranian Islam* (B. Parham, Trans.). Tehran: Shemshad.
- Taeschner, F. (1956). Photo group of Islamic countries and their various types of emergence, especially in Iran and neighboring countries, the Faculty of Literature and Humanities. (2), 76-94.
- Taheri, J. (2009). *An introduction to the Knowledge of architectural mathematics in the Islamic period* [Shahid Beheshti University]. Tehran.
- Tahori, N. (2007). *Manifestation of beliefs and mystical concepts in art* Traditional Iranian architecture and urban planning, A collection of first and second symposiums on architectural topics,
- Vaez kashaf sabzevari, H. (1971). *Soltani Fotovatnameh, Try by Mohamah jafar Mahjob*. Tehran: Iranian Culture Foundation.
- Vafamehr, M. (2011). *Investigating the situation of engineering education in Iran* The second engineering conference with a vision for the future,
- Wilber, D. (2000). *Iranian architecture of the Islamic period* (M. Y. K. a. K. a. Afsar, Trans.). Tehran: Samt.
- Zandimoheb, A. (2021). Principles of Education Traditional Architecture in the Past using Fotowwat-nama. *Research Institute of Cultural Heritage & Tourism*, 42(1), 82-97. <http://athar.richt.ir/article-2-730-fa.html>